

خاموشی‌های بدون اطلاع‌را از برق بکشید

خاموشی‌های تابستانه از چند سال قبل برای مردم دیگر موضوع تازه‌ای نیست و با آغاز فصل گرما، بحث مدیریت مصرف برق دوباره به صدر اخبار بازمی‌گردد و می‌شود، اما آنچه بیش از خود خاموشی آزاردهنده‌است، بی‌برنامگی، بی‌اطلاعی و احساس تبعیض در اجرای آن است و اگر قرار باشد مردم ناگزیر بار کمبود برق را به دوش بکشند، حداقل انتظار این است که این محدودیت با برنامه، اطلاع‌رسانی قبلی و رعایت عدالت همراه باشد. اولین نکته‌ای که باید از وزارت نیرو پرسید، این است که چرا کشور پس از سال‌ها تجربه خاموشی‌های تابستانی همچنان به نطفه‌ای می‌رسد که قطع برق به یکی از ابزارهای اصلی مدیریت شبکه تبدیل می‌شود؟ مگر نه این است که وظیفه این وزارتخانه فقط مدیریت بحران نیست، بلکه جلوگیری از شکل‌گیری بحران نیز است و توسعه نیروگاه‌ها، نوسازی شبکه انتقال و توزیع، کاهش تلفات، افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و استفاده از ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله مسئولیت‌هایی است که اگر به موقع و متناسب با رشد مصرف دنبال می‌شد، امروز خاموشی تا این اندازه به زندگی مردم گرم نمی‌خورد.

از طرفی گرمای هوا پدیده‌ای غیرمنتظره نیست و قاعدتاً هر سال تابستان از راه می‌رسد و افزایش مصرف برق نیز کاملاً قابل پیش‌بینی است؛ لذا مدیریت آن زمان معنا دارد که برای چنین شرایطی از سال‌ها قبل برنامه‌ریزی شده باشد، نه اینکه با اولین موج گرما، فقط همان نسخه موجود قطع برق باشد. بنابراین مردم به‌حق ابهام دارند که چرا با وجود هشدارهای مکرر کارشناس درباره فاصله میان تولید و مصرف، سرمایه‌گذاری لازم برای افزایش ظرفیت تولید برق و اصلاح زیرساخت‌ها متناسب با نیاز کشور انجام نشده است.

البته اگر به دلیل خاموشی اجتناب‌ناپذیر باشد،

موضوع شکل دیگری پیدا می‌کند و در چنین شرایطی،

اولین وظیفه مسئولان احترام به حقوق شهروندان است،

یعنی اطلاع‌رسانی پیش از خاموشی یک امتیاز یا لطف

نیست، بلکه حق‌ی است که باید به رسمیت شناخته شود

و اگر خانواده‌ها از زمان قطع برق مطلع باشند می‌توانند

برای نگهداری مواد غذایی، استفاده از وسایل برقی،

مراقبت از سالمندان، بیماران و کودکان یا حتی برنامه

کاری خود تصمیم بگیرند، اما خاموشی بدون اطلاع

قبلی، یعنی تحمیل هزینه‌ای مضاف به مردمی که هیچ

نقشی در ایجاد این وضعیت نداشته‌اند.



شاید بخش اطلاع‌رسانی وزارت نیرو نمی‌داند، اما واقعاً امروزه دیگر اطلاع‌رسانی کار دشواری نیست و ارسال پیامک، انتشار جدول خاموشی در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های خدماتی، همه ابزارهای هستند که می‌توانند مردم را از زمان و محدوده خاموشی آگاه کنند و وقتی چنین امکاناتی وجود دارد، قطع برق بدون هیچ اطلاع قبلی بیشتر از آنکه ناشی از محدودیت باشد، نشانه ضعف در مدیریت ارتباط با مردم است.

در کنار اطلاع‌رسانی، مسئله عدالت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و اگر قرار است برق منطقه‌ای قطع شود، این محدودیت باید میان همه مناطق به صورت عادلانه توزیع شود و مردم نباید احساس کنند که هر بار نوبت به خاموشی می‌رسد، مناطق کمتر برخوردار، استان‌های دور از مرکز یا شهرهای گرمسیر سهم بیشتری از این محدودیت دارند، در حالی که برخی مناطق از آن مصون می‌مانند. چنین احساسی، حتی اگر در همه موارد منطقی بر واقعیت نباشد، اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند.

همچنین عدالت فقط در توزیع امکانات معنا ندارد و در توزیع محدودیت‌ها نیز باید رعایت شود و اگر قرار است همه مردم برای عبور کشور از یک بحران همکاری کنند، این همکاری زمانی شکل می‌گیرد که همه احساس کنند سهم برابر از هزینه‌ها می‌پردازند و طبعاً هیچ منطقه‌ای نمی‌پذیرد که فاصله جغرافیایی از پایتخت یا میزان برخوردار ی یک منطقه، معیار نانوشته تعیین سهم خاموشی باشد.

از سوی دیگر، وزارت نیرو باید درباره معیارهای اعمال خاموشی نیز شفاف باشد و اگر مناطقی به دلیل مصرف بالا در اولویت محدودیت قرار می‌گیرند، این موضوع باید با آمار و اطلاعات روشن اعلام شود و اگر ملاحظات فنی یا ظرفیت شبکه ملاک تصمیم‌گیری است، مردم حق دارند از آن مطلع باشند. بی‌تردید کارکنان صنعت برق در روزهای گرم سال برای حفظ پایداری شبکه تلاش می‌کنند و کسی منکر دشواری مدیریت این بخش نیست.

به هر روی خاموشی شاید در برخی مقاطع اجتناب‌ناپذیر باشد، اما بی‌نظمی در اجرای آن قابل توجیه نیست و وزارت نیرو باید در بلندمدت پاسخ دهد که چرا کشور هنوز از چرخه تکراری خاموشی‌های تابستانی خارج نشده است و در کوتاه‌مدت نیز تضمین کند که اگر قرار بر اعمال محدودیت است، این محدودیت با اطلاع قبلی، برنامه مشخص و رعایت کامل عدالت اجرا شود.

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۰۶۰۸۵۲۳۰

بسته جدید حمایتی دولت از صنایع آسیب‌دیده با محوریت تسهیل در حوزه‌های تجاری-مالیاتی-ارزی است

دولت بانسخه جدید مداوای بال‌وپر واحدهای آسیب‌دیده جنگی را آغاز کرد

علیرضا سلیمی، عضو هیئت رئیسه مجلس در گفت‌وگو با «جوان»: در مجلس برای ساماندهی وضعیت واحدهای آسیب‌دیده، قرارگاه ویژه حمایت از بخش تولید و صنایع آسیب‌دیده تشکیل می‌شود

درد

ارسلان محمدی، کارشناس اقتصادی: بسته حمایتی جدید برای صنایع آسیب‌دیده، گذار به سمت ایجاد نگاه سیستمی و فرآیندمحور در حمایت از تولیدکنندگان است و در آن دستگاه‌های مختلف دولتی به عنوان حلقه‌های متصل یک زنجیره واحد عمل می‌کنند

دادن مردم در فرآیند بازسازی، حس همبستگی ملی را تقویت می‌کند. همچنین، با تبدیل بخشی از بدهی‌های بانکی به سهام یا اوراق، فشار بازپرداخت اقساط سنگین بانکی از دوش بنگاه‌ها برداشته می‌شود و ساختار مالی آنها متعادل‌تر می‌گردد. این هماهنگی با سایر دستگاه‌ها، اطمینان می‌دهد که بنگاه‌ها از منابع متنوعی برای تأمین مالی استفاده می‌کنند و به یک منبع وابسته نمی‌مانند.

■ **تقسیم بدهی‌های مالیاتی، گمرکی و بانکی در بسته حمایتی دولت**

همچنین علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به اعلام بسته‌های حمایتی دولت برای واحدهای تولیدی آسیب‌دیده از جنگ اظهار کرد: وزارت اقتصاد اعلام کرده که بسته حمایتی مشخصی برای حمایت از صنایع تدوین کرده است.

وی افزود: باید دیگر وزارتخانه‌ها نیز از مجموعه‌هایی که در جریان جنگ خسارت دیده‌اند، حمایت به عمل بیاورند و از تمامی ظرفیت‌های این بسته حمایتی به‌صورت عملیاتی و مؤثر بهره‌مند شوند. یکی از اقدامات مثبت در این زمینه، رشد چهار برابری استرداد مالیاتی و همچنین تقسیم بدهی‌های بانکی، گمرکی و مالیاتی است.

سلیمی به تأکید در اینکه مسئولیت حمایت از صنایع تنها بر عهده یک وزارتخانه نیست، تصریح کرد: بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و سایر دستگاه‌های مسئول نیز باید در این زمینه نقش آفرینی کنند و با هماهنگی کامل، زمینه بازگشت واحدهای آسیب‌دیده به چرخه تولید را فراهم آورند.

وی خاطرنشان کرد: در مجلس نیز این موضوع مطرح شده که برای ساماندهی این وضعیت، یک قرارگاه ویژه حمایت از بخش تولید و صنایع آسیب‌دیده تشکیل شود تا تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط در آن حضور داشته باشند و تصمیمات لازم به‌صورت متمرکز اتخاذ شود.

عضو هیئت‌رئیسه مجلس با اشاره به شرایط خاص کشور پس از جنگ، گفت: امروز در وضعیت اضطرار قرار داریم و طبیعی است که نمی‌توان با قواعد و سازوکارهای زمان عادی، امور را مدیریت کرد. صنایع، تصمیمات فوری و قاطع اتخاذ کنند و مشخص کنند، میان مسائل اهم و مهم تفکیک قائل شوند و درباره موضوعاتی مانند پرداخت تسهیلات، حمایت‌های مالی و حتی تخصیص انرژی و برق به وی در پایان با تأکید بر ضرورت اجرای سریع مصوبات حمایتی اظهار کرد: تصمیماتی که در این قرارگاه اتخاذ می‌شود باید برای همه دستگاه‌ها لازم‌الاجرا باشد و از مرحله بحثنامه و ابلاغ عبور کند.



سرعت بخشیدن به جریان نقدینگی به سمت تولید است. وقتی مالیات به سرعت به حساب تولیدکننده بازگشت می‌شود، او می‌تواند بلافاصله مواد اولیه بخرد و تولید را از سر بگیرد. علاوه بر این، اعطای تنفس و تقسیم بدهی‌های مالیاتی، به بنگاه‌هایی که به دلیل خسارات جنگی نقدینگی کمتری دارند، فرصت می‌دهد تا بدون خطر مصادره اموال یا جریمه‌های سنگین، فرآیند بازسازی را پیش ببرند.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز در این بسته حمایتی متنوع و یکپارچه، به عنوان دروازه ورود کالا به اقتصاد داخلی عمل می‌کند و نقش کلیدی در تسهیل تأمین مواد اولیه و تجهیزات بازسازی دارد. صدور مجوزهای واردات بدون انتظار برای نهاده‌های ضروری تولید، یک اقدام هوشمندانه است که گلوگاه منشأ ارزی را خنثی می‌کند و به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد تا بدون معطلی برای تأمین ارز، خط تولید خود را بازسازی کنند. همچنین، اعطای معافیت‌های تعرفه‌ای همدند برای صنایع آسیب‌دیده، هزینه تمام‌شده بازسازی را کاهش می‌دهد، اما نکته مهم این است که این تسهیلات گمرکی با سایر حمایت‌ها، مانند تسهیلات بانکی برای خرید کالا و معافیت‌های مالیاتی، ترکیب می‌شود تا هزینه نهایی بازسازی به حداقل برسد.

محمدی در پایان گفت: بازار بورس و اوراق بهادار در این بسته حمایتی، به عنوان منبعی برای تأمین مالی بلندمدت و جایگزین بخشی از بدهی‌های بانکی عمل می‌کند. رویکرد فرآیندمحور در این بخش، به معنای تسهیل شرایط برای عرضه شرکت‌های آسیب‌دیده در بورس و انتشار اوراق بدهی یا مشارکت است. این اقدام، نه تنها نیاز به منابع مالی کلان برای بازسازی صنایع بزرگ را پوشش می‌دهد، بلکه با مشارکت

وزارتخانه‌های دیگر دولت اعلام نشده است، ولی بسته حمایتی دولت برای کسب‌وکارها و صنایع آسیب‌دیده از جنگ در مرحله اجرایی قرار گرفته است و منابعی نیز برای آن در نظر گرفته شده است و بخش مهمی از این برنامه نیز نیازمند منابع برای اجرا نیستند و صرفاً تسهیل‌گری در حوزه تعویق بدهی‌ها یا روش‌های جدید و مطمئن تأمین مالی بازسازی صنایع هستند.

وی ادامه داد: بانک‌های دولتی به عنوان بازوی اجرایی اصلی سیاست‌های پولی و حمایتی، در این بسته حمایتی نقش حیاتی در تأمین سرمایه و گردش و نوسازی تسهیلات ایفا می‌کنند. در شرایط فعلی اهمیت هدایت اعتبارات بانکی بسیار بالاست و اعتبارات بانکی نباید به صورت تصادفی توزیع شوند، بلکه باید بر اساس اولویت‌های بازسازی و نیازهای واقعی صنایع آسیب‌دیده هدایت شوند. طرح‌های تعویق و تقسیم بدهی‌های بانکی، به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد تا با کاهش فشار بازپرداخت اقساط قدیمی، منابع خود را صرف بازسازی خطوط تولید کنند. همچنین، ارائه تسهیلات ارزی ویژه برای واردات ماشین‌آلات مدرن، نشان‌دهنده درک صحیح از نیاز صنایع به نوسازی است.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به نقش مهم سازمان امور مالیاتی در تسهیل شرایط صنایع کشور

خاطرنشان کرد: سازمان امور مالیاتی در این بسته حمایتی، نقش یک شریک استراتژیک در حفظ سلامت مالی بنگاه‌ها را دارد. رویکرد فرآیندمحور در این بخش، به معنای حذف بروکراسی‌های پیچیده در فرآیند استرداد مالیات بر ارزش افزوده و اعطای معافیت‌های مالیاتی است. رشد ۴۰۰ درصدی استرداد مالیات به تولیدکنندگان در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵، تنها یک آمار نیست، بلکه نشان‌دهنده

اقتصادی را بر عهده گرفته‌اند و مجموعه این اقدامات در قالب یک سیاست منسجم دنبال می‌شود و این به معنای این است که بانک‌های دولتی روی تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش تمرکز کرده‌اند، سازمان امور مالیاتی بر کاهش بار مالیاتی و حفظ بقای نقدی از طریق استرداد اعتبارات، گمرک بر تسهیل ورود مواد اولیه و تجهیزات، بیمه مرکزی بر جبران خسارات فیزیکی و بازار سرمایه بر تأمین مالی بلندمدت اوراق محصور یا سهام‌محور کار می‌کنند. این تفکیک وظایف و هماهنگی میان آنها، اطمینان می‌دهد که بنگاه اقتصادی در هر مرحله از بازسازی، محوریت سه هدف مهم، با به کارگیری ظرفیت کامل دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله بانک‌های دولتی، گمرکات کل کشور، سازمان امور مالیاتی، صنعت

بیمه کشور و همچنین بازار بورس و اوراق بهادار در جهت تحقق سه محور کلان تعویق و تسهیل در حوزه تجاری-مالیاتی-ارزی و در نهایت تأمین منابع مالی مبتنی بر اوراق یا تسهیلات به حمایت از صنایع آسیب‌دیده از جنگ پرداخت.

مهم‌ترین ویژگی این بسته حمایتی منسجم بودن اقدامات ذیل مدیریت واحد وزارت اقتصاد است و بسته حمایتی جدید برای صنایع آسیب‌دیده، گذار به سمت ایجاد نگاه سیستمی و فرآیندمحور در حمایت

از تولیدکنندگان است. این رویکرد جدید که در آن دستگاه‌های مختلف دولتی به عنوان حلقه‌های متصل یک زنجیره واحد عمل می‌کنند، می‌تواند اثربخشی حمایت‌های دولتی را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

در این رویکرد جدید حمایتی، بانک‌های دولتی، سازمان امور مالیاتی، گمرک، بیمه مرکزی و بازار سرمایه، هر یک بخشی از مسئولیت بازسازی

■ **گزارش یک زینلب‌زین**

آسیب‌دیده از جنگ، بازگرداندن چرخه تولید به مسیر عادی، حفظ اشتغال و تقویت پشتوانه صنعتی کشور در برابر تهدیدات آینده عنوان شده است و بانک‌های دولتی روی تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش تمرکز کرده‌اند و سازمان امور مالیاتی نیز بر کاهش بار مالیاتی و حفظ جریان نقدی از طریق استرداد اعتبارات، گمرک بر تسهیل ورود مواد اولیه و تجهیزات، بیمه مرکزی بر جبران خسارات فیزیکی و بازار سرمایه بر تأمین مالی بلندمدت اوراق محصور یا سهام‌محور کار می‌کنند.

■ ■ ■

یکی از موضوعات مهم و اساسی در زمینه حمایت از کسب‌وکارها، مرتبط با اقدامات متناسب با نیاز صنایع آسیب‌دیده از جنگ است که همه بخش‌های دولت باید در حد توان و ظرفیت خود، حمایت از این کسب‌وکارها را در دستور کار قرار دهند. جنگ تحمیلی سوم علیه دشمن آمریکایی-صهیونیستی، نه تنها خسارات جانی و زیرساختی سنگینی به بار آورد، بلکه چرخه تولید و فعالیت اقتصادی بسیاری از بنگاه‌های صنعتی و تولیدی را مختل کرد.

در چنین شرایطی، تداوم فعالیت اقتصادی و جلوگیری از ورشکستگی انبوه صنایع، نه تنها یک نیاز اقتصادی، بلکه یک ضرورت امنیتی و دفاعی

برای حفظ خودکفایی و امنیت ملی کشور است.

در همین راستا و مبتنی بر ظرفیت‌های موجود در

بخش‌های مختلف دولت، بسته‌های حمایتی متنوعی

تهیه شده است؛ یکی از این بسته‌های مهم تعریف

شده، بسته حمایت از صنایع آسیب‌دیده است و این

بسته حمایتی نشان‌دهنده درک صحیح از ماهیت

چندوجهی بحران و لزوم برخوردی سیستماتیک و

یکپارچه از سوی دولت چهاردهم است. هدف اصلی

بسته حمایتی دولت، بازگرداندن چرخه تولید به

مسیر عادی، حفظ اشتغال و تقویت پشتوانه صنعتی

کشور در برابر تهدیدات آینده است و این بسته با

محوریت سه هدف مهم، با به کارگیری ظرفیت

کامل دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله بانک‌های دولتی،

گمرکات کل کشور، سازمان امور مالیاتی، صنعت

بیمه کشور و همچنین بازار بورس و اوراق بهادار

در جهت تحقق سه محور کلان تعویق و تسهیل در

حوزه تجاری-مالیاتی-ارزی و در نهایت تأمین

منابع مالی مبتنی بر اوراق یا تسهیلات به

حمایت از صنایع آسیب‌دیده از جنگ پرداخت.

مهم‌ترین ویژگی این بسته حمایتی منسجم بودن

اقدامات ذیل مدیریت واحد وزارت اقتصاد است و

بسته حمایتی جدید برای صنایع آسیب‌دیده، گذار

به سمت ایجاد نگاه سیستمی و فرآیندمحور در

حمایت از تولیدکنندگان است. این رویکرد جدید که

در آن دستگاه‌های مختلف دولتی به عنوان حلقه‌های

متصل یک زنجیره واحد عمل می‌کنند، می‌تواند

اثربخشی حمایت‌های دولتی را به شکل چشمگیری

افزایش دهد.

در این رویکرد جدید حمایتی، بانک‌های دولتی،

سازمان امور مالیاتی، گمرک، بیمه مرکزی و بازار

سرمایه، هر یک بخشی از مسئولیت بازسازی

آقای نوبخت! راه چاه نشان ندهید

می‌کند و سیاست اقتصادی موفق، سیاستی است که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز بتواند با اتکا به ظرفیت‌های داخلی، ثبات نسبی، پیش‌بینی‌پذیری و امید را برای افغانان اقتصادی فراهم کند. از همین رو، پیش از آنکه مسئولان سابق نسخه‌ای برای آینده بپیچند، لازم است نسبت خود را با گذشته روشن کنند و جامعه نیز انتظار دارد مدیرانی که سال‌ها در رأس مهم‌ترین نهادهای اقتصادی کشور بوده‌اند، ابتدا درباره نقاط ضعف، خطاهای محاسباتی و کاستی‌های دوران مسئولیت خود سخن بگویند و سپس به ارائه توصیه برای دیگران بپردازند و دولت چهاردهم نیز اگر بنا دارد از تجربه گذشته استفاده کند، باید نقاط ضعف آن را خوب ببیند، چراکه استفاده از تجربه به معنای تکرار مسیرهای آزمونده و کم‌ثمر نیست، بلکه به معنای پرهیز از خطاهایی است که هزینه‌ای آن را مردم پرداخت کرده‌اند و قاعدتاً تجربه‌ای که نتیجه‌ای از افزایش نااطمینانی، کاهش قدرت خرید، بی‌ثباتی بازارها و وابستگی بیش از حد اقتصاد به عوامل بیرونی بوده است، بیش از آنکه الگوی حرکت باشد، هشدار برای انتخاب مسیر متفاوت است.

موفق گذشته» زمانی پذیرفتنی خواهد بود که ابتدا درباره موفقیت آن تجربه اجماع کارشناسی وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، چنین توصیه‌ای بیش از آنکه راهگشا باشد، یادآور مسیری است که بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند اقتصاد کشورمان را با هزینه‌های سنگینی مواجه کرد. لکن می‌شود از آقای نوبخت خواست راه چاه نشان ندهد.

نوبخت بر اجرای آن تأکید می‌کند، صرفاً مجموعه‌ای از شعارها یا عناوین برنامه‌ای نیست و مستلزم کاهش وابستگی به درآمدهای ناپایدار، تقویت تولید داخلی، اصلاح نظام مالی، افزایش بهره‌وری، توسعه صادرات غیرنفتی و مقاومت‌سازی ساختار اقتصاد در برابر تکانه‌های خارجی است و منتقدان خیرخواه دولت‌های یازدهم و دوازدهم بارها این پرسش را مطرح می‌کردند که چرا در عمل، اولویت سیاستگذاری اقتصادی بیش از آنکه بر اجرای این اصول استوار باشد، بر نتیجه مذاکرات خارجی متمرکز شده است و طبعاً پاسخی نمی‌شنیدند!

چراکه اقتصاد کشورمان با تورمی سابقه‌پیش از نیم قرن، محدودیت‌های بین‌المللی، ناترازی‌های حتمی از جهت تمام مشکلات اقتصادی کشور دانایم و نمی‌دانیم، چراکه اقتصاد کشورمان با تورمی سابقه‌پیش از نیم قرن، محدودیت‌های بین‌المللی، ناترازی‌های حتمی از جهت تمام مشکلات اقتصادی کشور دانایم و نمی‌دانیم، چراکه اقتصاد کشورمان نباید به متغیرهایی گره بخورد که خارج از اختیار سیاستگذار داخلی است، چراکه بارها تجربه نشان داد و مع‌الأسف الان هم نشان می‌دهد که شرطی شدن اقتصاد به تحولات خارجی، هزینه‌های سنگینی بر کشور تحمیل



بنابراین وقتی از «تجارب موفق» آن ایام سخن گفته می‌شود، باید پرسید کدام تجربه باید الگو قرار گیرد؟ تجربه‌های پیاپی نسرخ‌ارز؟ یا تجربه کاهش مستمر قدرت خرید خانوارها و از همه کم‌رشدتر، تجربه رکود در بخش مسکن بود که شوربختانه با سکانداری یکی از سیاسی‌ترین و کاربایلدترین افراد کابینه، ضرب‌های زده است که شاید دو نسل متأثر از آن خواهند بود و با وقاحت با ملتون فریدمن‌ها‌م‌ن‌ا‌له می‌گردا‌ل‌ل‌ته به این سیاه‌باید تجربه کسری بودجه مزمن، افزایش بدهی‌های دولت و انباشت مشکلات ساختاری را هم اضافه کرد که آثار آن همچنان بر اقتصاد نچور کشورمان سایه افکنده است.

از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی که امروز آقای

که این روند، جایگزین اصلاحات و اقدامات بنیادین شد و دولت وقت به جای آنکه از فرصت‌های موجود داخلی برای وارد کردن مردم در حوزه اقتصادی به‌منظور بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد استفاده کند، سرمایه سیاسی و سیاسی‌گذاری اقتصادی را بر این فرض استوار

شد که تحریم‌ها «بالمره» لغو و مشکلات کشور، حتی در حوزه آب خوردن نیز برطرف خواهد شد و

مع‌الأسف این نگاه، عملاً اصلاحات ضروری در نظام

بودجه، بانکداری، مالیات، تولید و سرمایه‌گذاری را

به حاشیه راند.

بی‌تردید برجام در هیچ مقطعی هیچ آثار مثبتی بر

شاخص‌ها بر جای نگذاشت و مشکل اساسی آن بود